



نشانه‌های قیام حضرت مهدی عج

سید حسن زمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار «۱۳»

نشانه‌های

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

سید حسن زمانی

زمانی، حسن، -

نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام انتظار «۱۳»، سید حسن زمانی، -
قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مرکز تخصصی مهدویت،
۱۳۹۰.

۸۲ ص. - (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مرکز تخصصی
مهدویت: ۹۰)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۳-۰ ۱۰۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت - انتظار ۲. محمد بن حسن علیه السلام امام دوازدهم - ۲۵۵ ق -

۳. فتن و ملاحم ۴. آخرالزمان ۵. مهدویت الف، بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی علیه السلام مرکز تخصصی مهدویت، ج. عنوان،

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴ / ۸ ز ۵

۲۱۷۶۹۴۲

۱۳۹۰



نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام (انتظار ۱۳)

مؤلف / سید حسن زمانی

ویراستار / زینب احمدیان

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

صفحه آرا / عباس فریدی

چاپ / ترام اسکندر

نوبت چاپ / اول، تابستان ۹۰

شمارگان / سه هزار نسخه

بها / ۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۰۱-۷۷۳۷۸۰ ○ فاکس: ۰۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

○ تلفن: ۰۱-۸۸۹۹۸۶ ○ فاکس: ۰۸۸۹۸۱۳۸۹

ص. پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵

WWW.IMAMMAHDI۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۳-۰

فهرست مطالب

مقدمه ۵

فصل اول: کلیات ۷

الف. واژه شناسی نشانه‌ها ۸

ب. تقسیم نشانه‌ها ۱۰

ج. آثار طرح نشانه‌های قیام ۱۳

اول. امید بخشی ۱۳

دوم. آماده شدن برای ظهور ۱۴

سوم. جلوگیری از انحراف‌ها و شناخت مدعیان ۱۴

د. نشانه‌های قیام و بداء ۱۵

فصل دوم: اوضاع عمومی قبل از ظهور ۱۹

اول. ظهور فتنه ۲۰

دوم. گسترش ظلم و ستم ۲۴

سوم. ناامنی و کشتار ۲۵

چهارم. فساد و بی بندوباری ۲۶

پنجم. افزایش بلاهای طبیعی ۲۸

ششم. شیوع بیماری‌ها ۲۹

هفتم. یأس و ناامیدی ۳۰

فصل سوم: نشانه‌های قیام ۳۳

الف. ندای آسمانی ۳۴

اول. حتمی بودن ندای آسمانی ۳۶

دوم. نوا دهنده ۳۸

سوم. محتوای ندای آسمانی ۳۹

چهارم. مخاطبان ندای آسمانی ۴۱

پنجم. زمان ندای آسمانی ۴۴

ب) سفیانی ۴۵

- اول. حتمی بودن خروج سفیانی ۴۵
- دوم. روش شناسایی سفیانی ۴۵
- سوم. زمان خروج سفیانی ۴۷
- چهارم. مکان خروج سفیانی ۴۸
- پنجم. اقدام‌های سفیانی ۴۹
- ج) خسف یبدا ۵۰
- د) یمانی ۵۲
- اول. مکان خروج یمانی ۵۳
- دوم. زمان خروج یمانی ۵۴
- سوم. نسب یمانی ۵۵
- چهارم. عملکرد یمانی ۵۶
- ه) قتل نفس زکیه ۵۷
- اول. حتمی بودن قتل نفس زکیه ۵۸
- دوم. زمان و مکان کشته شدن نفس زکیه ۵۹
- و) قیام گروهی از مشرق زمین ۶۱
- اول. خراسانی ۶۲
- دوم. اهل قم ۶۴
- فصل چهارم: آسیب شناسی طرح نشانه‌های قیام — ۶۹**
- الف. نشانه‌های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور ۷۰
- ب. نمادین معرفی کردن نشانه‌های قیام ۷۴
- ج. تطبیق نشانه‌های قیام ۷۷
- کتابنامه ۷۹

مقدمه

وعده آمدن موعود و نجات دهنده جهانی و برپایی دولت کریمه بر محوریت عدالت، وعده‌ای است که در ادیان الهی، مطرح و برای آن نشانه‌هایی بیان شده است. از طرف دیگر، انسان‌ها همواره مشتاق دانستن آینده و سرنوشت خود و دنیای اطراف بوده و هستند. پیشگویان و آینده‌نگران را می‌توان به آسمانی و زمینی تقسیم کرد. آینده‌بینان آسمانی از طرف پروردگار آفرینش برگزیده شده‌اند و حجّت‌های او بر آدمیان هستند. کلام آنان، ریشه در وحی آسمانی دارد و از افق بالا به هستی می‌نگرند. خبر دادن از گذشته، حال یا آینده، برایشان تفاوتی نمی‌کند و اخبار آنان از آینده، به میزان گفتارشان درباره گذشته و حال حقیقت دارد؛ ولی آینده‌نگران زمینی - با دید محدودی که دارند - سوداگرانی هستند که با سوء استفاده از ساده‌اندیشان، بازار خود را رونق می‌دهند.

دین‌های الهی به دلیل اهمیت موعود آسمانی، نشانه‌ها و حوادث پیرامون ظهور او را

برای مردم گفته‌اند. در دین اسلام نیز بخش زیادی از روایات پیشوایان دین در بحث مهدویت، مربوط به علامت‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

در این نوشتار، به جهت رعایت اختصار، نشانه‌هایی که متصل به قیام امام مهدی علیه السلام و دارای اهمیت بیشتری است بیان می‌شود. در کنار این بحث، اوضاع انسان‌ها و جهان، قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و همچنین آسیب‌های طرح نشانه‌های ظهور، بررسی می‌شود.

فصل اوّل:

کلیات

الف. واژه شناسی نشانه‌ها

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام درباره نشانه‌های قیام، کلماتی چون «علامه»، «آیه»، «قدام» و «قبل» استعمال شده است که به شرح ذیل بررسی می‌شوند.

۱. «علامه»: علامت، به معنای نشانه و جمع آن «علامات» است. درباره معنای «علامه» گفته‌اند: «العلامة و العلم شیء ینصب فی القلوات تهتدی به الضال؛ علامت و علم، چیزی است که در بیابان‌ها نصب می‌شود تا گمشدگان راهنمایی شوند».

در روایت‌های اسلامی، مفرد و جمع کلمه

علامت، برای نشانه‌های قیام استعمال شده است؛ مانند: «علامة خروج المهدي»^۱ و «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات»^۲ مقصود از این کلمه، امر یا اموری است که به وسیله آن‌ها زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام برای ما آشکار می‌شود.

۲. «آیه»: آیه به معنای نشانه آشکار، دلیل و معجزه آمده و جمع آن «آیات» است. درباره معنای آن راغب آورده است: «الآیة: هی العلامة الظاهرة»^۳؛ آیه به معنای نشانه آشکار است». مفرد و تثنیه و جمع این کلمه درباره نشانه‌های قیام به کار رفته است؛ مانند: «إذا اختلف رحمان بالشام فهو آیه من آیات الله تعالی»^۴ و «آیتان تُکُونان قَبْلَ قِیامِ الْقائِمِ علیه السلام»^۵ مقصود از این کلمه در مبحث نشانه‌های قیام، مشابه کلمه «علامت» است.

۳. «قدام»: قدام از ماده «قدم» و به معنای چیزی است که جلوتر می‌آید. این کلمه از پای

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۷۲، باب ۱۴، ح ۴۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۸، باب ۲۵، ح ۷.

۳. مفردات فی غریب القرآن، ص ۱۰۱.

۴. غیبت، طوسی، ص ۴۶۱.

۵. کافی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۸.

انسان گرفته شده است که پیش می‌گذارد و راه می‌رود. درباره معنای آن آمده است: «قدمته إلى كذا: قربته إليه. و قدام بضم القاف: نقيض وراء؛^۱ به سوی آن چیز قدم برداشتم یعنی به آن نزدیک شدم و «قدام» نقيض «وراء» است». یعنی آن چیزی است که جلوتر می‌آید. این کلمه نیز درباره نشانه‌ها استعمال شده است؛ مانند: «قدام هذا الامر علامات»^۲.

۴. «قبل»: کلمه «قبل» - که معنایی مشابه کلمه «قدام» دارد - درباره بیان نشانه‌ها به کار رفته است؛ مانند: «قبل هذا الامر السفیانی»^۳ هر دو کلمه درباره اموری به کار رفته‌اند که جلوتر از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهند و راهنمای ما به سوی زمان قیام خواهند بود.

ب. تقسیم نشانه‌ها

در کتاب‌های مختلف، تقسیم‌هایی برای نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده

۱. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۳۴.

۲. قرب الاسناد، ص ۱۶۳.

۳. غیبت، نعمانی، ص ۲۵۳، باب ۱۴، ح ۱۲.

است که به طور خلاصه بیان می‌شود:

اول: نشانه‌های حتمی و غیر حتمی؛ که توضیح آن به خواست پروردگار در همین فصل بیان خواهد شد.

دوم: نشانه‌های متصل و منفصل.

نشانه‌های متصل، علامت‌هایی است که نزدیک قیام حضرت مهدی علیه السلام واقع می‌شوند؛ به صورتی که فاصله زمانی میان آنها و قیام حضرت، مشخص است. مانند قتل نفس زکیه که پانزده شب با قیام فاصله دارد؛ چنانچه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «لیس بین قیام القائم و بین قتل النفس الزکیه إلا خمس عشرة لیلۃ؛ بین قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه، فاصله‌ای نیست مگر پانزده شب».

علائم منفصل، نشانه‌هایی است که فاصله زمانی آنها با قیام امام مهدی علیه السلام مشخص نیست؛ اما تحقق آنها باعث اطمینان قبلی مؤمنان و ایجاد روحیه امید در میان آنان می‌شود؛ مانند اختلاف بنی عباس. اهل بیت علیهم السلام در هنگامی که آنان در اوج قدرت بودند و شیعیان زیر فشارشان

قرار داشتند، از اختلاف و نابودی آنان سخن می‌گفتند و آن را جزء علامت‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام می‌شمردند.^۱ اما اکنون صدها سال از زوال بنی عباس می‌گذرد.

سوم: نشانه‌های عادی و غیر عادی.

نشانه‌های عادی، نشانه‌هایی هستند که واقع شدن آنها، مانند پیدایش سایر پدیده‌ها، روال عادی و طبیعی دارد؛ مانند خروج سفیانی و قتل نفس زکیه.

اما نشانه‌های غیر عادی، نشانه‌هایی می‌باشند که واقع شدن آنها از راه عادی و طبیعی ممکن نیست و برای محقق شدن، نیازمند معجزه هستند؛ مانند ندای آسمانی و خسف بیداء.

چهارم: نشانه‌های آسمانی و زمینی.

برخی نشانه‌ها در آسمان پدید می‌آیند؛ مانند خورشید و ماه گرفتگی در ماه رمضان یا ندای آسمانی.

اما محل وقوع برخی علامت‌ها، زمین است؛ مانند خسف بیداء و قتل نفس زکیه.

پنجم: نشانه‌های عام و خاص.

نشانه‌های عام به بیان اوضاع عمومی قبل از

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۴.

ظهور می‌پردازد؛ مانند افزایش فساد، ناامنی، بیماری‌ها و واقع شدن زلزله‌های ویران‌گر. درمقابل، برخی از نشانه‌ها مواردی خاص را مطرح می‌کنند که قبل از ظهور یا قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهند داد. به این نوع نشانه‌ها، نشانه‌های خاص و موردی گفته می‌شود؛ مانند خروج سفیانی و ندای آسمانی. در این نوشتار به نشانه‌هایی پرداخته می‌شود که متصل به قیام حضرت مهدی علیه السلام هستند و از اهمیت بیشتری برخوردارند. در ضمن، به خواست خدای عزیز، نشانه‌های عام با عنوان «اوضاع عمومی قبل از ظهور» در فصلی جدا خواهد آمد.

ج. آثار طرح نشانه‌های قیام

بخش زیادی از روایت‌های مهدویت، مربوط به نشانه‌های قیام امام مهدی علیه السلام است. اما توجه پیشوایان معصوم به نشانه‌ها به چه علت بوده است؟ برای روشن شدن مطلب، آثار و پیامدهای طرح نشانه‌ها بررسی می‌شود.

اول. امید بخشی

نقش حیاتی و شگفت‌انگیز امید در سعادت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست.

انسان به امید زنده است. وقتی امید می‌آید، تلاش و حرکت، جایگزین رخوت و سستی می‌شود. نشانه‌های قیام، علامت‌های نزدیک شدن برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام است. با پدیدار شدن هر یک از نشانه‌ها، نور امید در دل‌های مؤمنان، پرفروغ‌تر می‌شود و بر اثر آن، مقاومت آنان در برابر سختی‌های دوران غیبت و حیرت، بیشتر، و تلاش‌شان برای آمادگی جهت همراهی امامشان فزونی می‌گیرد.

دوم. آماده شدن برای ظهور

اهل ایمان بر اثر پدیدار شدن هر یک از نشانه‌ها می‌بایست خود را از جهت روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی، برای شرکت در دولت کریمه آماده‌تر کنند. از طرف دیگر، بخشی از نشانه‌های قیام مانند سفیانی و یمانی، از امور سیاسی اسلام به حساب می‌آیند که همگان، به خصوص مسئولان، باید به آنها توجه کنند و با برنامه‌ریزی درست، خطر دشمنان را به حداقل برسانند و به تقویت یاران و همفکران خود پردازند.

سوم. جلوگیری از انحراف‌ها و شناخت مدعیان
آدمی همواره مشتاق شنیدن خبرهایی درباره

آینده است. با طرح اخبار واقعی از آینده در روایت‌های اسلامی، جلوی پخش اخبار کاهنان و غیب‌گویان شیاد گرفته می‌شود و انسان‌های با ایمان، شناخت درستی از حوادث آینده پیدا می‌کنند. علاوه بر این، با شناخت نشانه‌های واقعی قیام، دروغین بودن ادعای کسانی که ادعای مهدویت می‌کنند، روشن می‌شود.

د. نشانه‌های قیام و بداء

نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام به علائم حتمی و غیر حتمی تقسیم می‌شوند. از طرف دیگر، یکی از باورهای شیعه، مسأله «بداء» است. بنابراین احتمال دارد در برخی از نشانه‌ها بداء حاصل شود.

قبل از بیان چگونگی بداء در نشانه‌ها، ابتدا چند واژه که به بحث مربوط است، معنی می‌شود.

۱. نشانه غیر حتمی: به علامتی می‌گویند که اگر شرایط آن فراهم باشد و مانعی ایجاد نشود، به وجود می‌آیند. در روایات از این نشانه‌ها تعبیر به «موقوفه»^۱ شده است؛ یعنی نشانه‌ای که آمدنش، متوقف بر چیز دیگری است.

۱. غیبت، نعمانی، ص ۳۰۱، باب ۱۸، ح ۶.

۲. نشانه حتمی: به علامتی می‌گویند که به طور حتم و صد درصد واقع شود.

۳. بداء: معنی لغوی بداء، آشکار شدن است. شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «حقیقت بداء در لغت به معنی «ظهور» آمده است. برای همین وقتی گفته می‌شود «بدا لنا سور المدینه»، یعنی دیوارهای شهر برای ما آشکار شد. و «بدا لنا وجه الرأی» یعنی برای ما مقصودِ نظر آشکار شد و هم چنین است در کلام خدای بلندمرتبه: «وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا»^۱ اعمال بدی را که انجام داده‌اند (در روز قیامت) برای آن‌ها آشکار می‌شود» و «وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»^۲ و بدی‌های اعمالشان برای آنان آشکار می‌شود». در همه این‌ها، مقصود از بداء، ظهور و آشکار شدن است»^۳.

اگر مراد از بداء آشکار شدن بعد از جهل باشد، استعمال این کلمه درباره خداوند درست نیست؛ زیرا خداوند به همه چیز و در همه زمان‌ها آگاه است. ولی اگر مراد از بداء را

۱. زمر (۳۹)، آیه ۴۸.

۲. جاثیه (۴۵)، آیه ۳۳.

۳. عده، ج ۲، ص ۴۹۵.

مانند معنای لغوی آن (آشکار شدن) بدانیم، می‌توانیم آن را به خداوند اسناد دهیم.

سید مرتضی علم‌الهدی می‌گوید: «ممکن است کلمه بَداء را در جمله «بدا له تعالی» حمل بر معنای حقیقی آن کنیم؛ یعنی بگوییم امری که در گذشته آشکار نبود در خارج ظاهر شد»^۱.

مقصود از بَداء در نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ ندادن برخی از خصوصیات و یا تغییر در آن‌ها می‌باشد؛ یا اینکه آن نشانه اصلاً اتفاق نیفتد. رخ دادن بَداء در نشانه‌های غیر حتمی، امری قابل قبول است؛ زیرا ممکن است شرایط وقوع آن‌ها محقق نباشد و یا مانعی از رخ دادنشان جلوگیری کند. اما وقوع بَداء در نشانه‌های حتمی را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا شرایط واقع شدن آن‌ها آماده است و مانعی برای وقوعشان وجود ندارد بنابراین، با توجه به حتمی بودن اصل وقوع علائم در نشانه‌های حتمی، احتمال بَداء فقط در برخی از خصوصیات آن‌ها می‌رود.

۱. عتده، ج ۲، ص ۴۹۶؛ بَداء از نظر تسبیح، ص ۳۶.

فصل دوّم:
اوضاع عمومی
قبیل از ظہور

قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام جهان و به خصوص، منطقه خاورمیانه، دارای اوضاع و شرایط خاصی چون فتنه و آشوب، کشتار و ناامنی، ستم و بیدادگری، یأس و ناامیدی از گشایش می‌شود که در احادیث اهل بیت علیهم السلام به آن‌ها اشاره شده است. در این قسمت، برخی از این موارد بررسی می‌شود.

اول. ظهور فتنه

«فتنه» به معنای ابتلا و آزمایش، استعمال شده و در اصل، به معنای قرار دادن طلا در آتش برای جدایی ناخالصی از آن است. راغب در این زمینه می‌نویسد: «أصل الفتن ادخال الذهب النار لتظهر

جودته من ردائته»^۱ ایشان اضافه می‌کند که این کلمه برای دخول انسان در آتش، وسیله عذاب و همچنین آزمایش و ابتلا به کار رفته، و در حقیقت با کلمه فتنه، معامله کلمه «بلا» شده است که هر دو، در سختی و آسانی به انسان می‌رسد؛ ولی کاربردشان در سختی بیشتر است. چنانچه در قرآن کریم آمده است: «وَبَلَّوْنَاكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»^۲ شما را به امتحان بدی (سختی و مصیبت و بلا) و نیکی (آسانی و نعمت و دولت) می‌آزماییم».

پروردگار بلند مرتبه، انسان‌ها را در این دنیا با وسایل مختلف می‌آزماید تا انسان‌های خوب و نیک سرشت از بدان و زشت کرداران، جدا و هر کدام مطابق رفتارشان جزا داده شوند. یکی از این فتنه‌ها و آزمایش‌ها در احادیث اهل بیت، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه معرفی شده است.

برای نمونه حسن بن محبوب روایت کرده است که امام رضا عجل الله تعالی فرجه به من فرمود:

«به ناچار فتنه‌ای سخت و هولناک اتفاق خواهد افتاد که در آن هر صمیمیت و دوستی ساقط می‌شود و آن هنگامی است که شیعه،

۱. مفردات فی غریب القرآن، ص ۳۷۱.

۲. انبیاء (۲۵)، آیه ۳۵.

سومین نفر از نوادگان مرا از دست بدهد و اهل آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر او بگرید»^۱.

امام هشتم از فتنه‌ای خبر می‌دهد که بعد از ایشان اتفاق می‌افتد. مقصود ایشان از سومین نفر از نوادگان‌شان، امام حسن عسکری علیه السلام است. با شهادت ایشان، شیعه با امامی مواجه شد که از دیدگان آنان پنهان بود. این موضوع، فتنه و آزمایشی سخت برای شیعیان محسوب می‌شد. گرچه پیشوایان معصوم با روش‌های گوناگون، پیروان خود را برای برخورد با چنین روزی آماده کرده بودند؛ از جمله پیشگویی غیبت امام دوازدهم و کم کردن ارتباط مستقیم با مردم که توسط امام دهم و یازدهم صورت گرفت تا شیعیان به ندیدن امامشان عادت کنند. اضافه بر این، امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به بزرگان شیعه معرفی کرده بود؛ ولی با این حال، پذیرفتن امامی که بسیاری از شیعیان، او را ندیده بودند دشوار بود؛ زیرا شیعه، برای اولین مرتبه با این مشکل مواجه می‌شد.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶، ح ۱۴.

اکثر شیعیان در آن زمان با هدایت امام مهدی علیه السلام و به وسیله نایبان خاص و بزرگان شیعه، شرایط حساس و فتنه انگیز را پشت سر گذاشتند؛ ولی تا وقت ظهور، فتنه و آزمایش برای انسان‌ها به وسیله امامی که از دیدگان آنان پنهان است همچنان ادامه دارد. در حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، به بودن این فتنه در زمان غیبت اشاره شده است. رسول گرامی اسلام فرموده‌اند:

«و الذی بعثنی بالحق بشیرا لیغیبن القائم من ولدی بعهد معهود إلیه منی حتی یقول أكثر الناس ما لله فی آل محمد حاجة و یشک آخرون فی ولادته فمن أدرك زمانه فلیتمسک بدینه و لا یجعل للشیطان إلیه سبیلا بشکه فیزیله عن ملتی و ینخرجه من دینی فقد أخرج أبویکم من الجنة من قبل و إن الله عز وجل جعل الشیاطین أولیاء للذین لا یؤمنون؛^۱ قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد، به تحقیق، قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده

اوست، غایب می‌شود تا جایی که اکثر مردم گویند خدا را به خاندان محمد علیهم السلام نیازی نیست و دیگران در اصل ولادت او شک کنند. پس هر کس در زمان او واقع شود، باید به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود، راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل ساخته و از دین من بیرون ببرد که او پیش تر، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان‌ها را سرپرست انسان‌های بی‌ایمان قرار داده است». این روایت از جهت سند، معتبر است.

دوّم. گسترش ظلم و ستم

بیشتر احادیثی که عدالت گستری امام عصر علیه السلام را بیان داشته‌اند، در کنار آن، گسترش بیداد و ستمگری در زمان قبل از ظهور را آورده‌اند. در آن زمان، حقوق انسان‌ها رعایت نمی‌شود و بی‌دلیل، خونشان ریخته، مالشان غارت و به ناموس آنان تجاوز می‌شود و این مسأله فراگیر است و در همه جا مشاهده می‌شود. مصداق‌های فراگیری ظلم و ستم در موارد بعد بیان می‌شود. در این قسمت، تنها به یک روایت اشاره می‌کنیم.

اصبغ بن نباته می گوید: «نزد امیرمؤمنان علی علیه السلام رفتم و دیدم در حال تفکر، بر زمین می زند. گفتم: ای امیرمؤمنان؛ چرا با حال تفکر، بر زمین نشانه می گذاری؟ آیا به آن میل داری؟! فرمود: «لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَ لَكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا»^۱ به خدا سوگند، هرگز؛ حتی یک روز هم به زمین و دنیا رغبت نداشتم؛ ولی اندیشه من درباره فرزندی است که از پشت من است. او مهدی علیه السلام یازدهمین نفر از نوادگان من است. او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ستم شده باشد».

سوّم. ناامنی و کشتار

یکی از حوادث قبل از ظهور، افزایش و تداوم قتل و غارت در میان مردم، به خصوص در منطقه خاور میانه است. این مسئله، باعث ترس همگانی، سلب آسایش و سختی برای همه می شود.

عبدالله بن سنان روایت کرده است که امام

جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«يشمل الناس موت و قتل حتى يلجأ الناس عند ذلك إلى الحرم فينادى مناد صادق من شدة القتال فيم القتل و القتال صاحبكم فلان؛^۱ مرگ و کشتار، مردم را فرا می‌گیرد تا اینکه مردم در آن وقت به حرم الهی پناه می‌برند. در آن هنگام خبر دهنده راستگویی به دلیل شدت کشتار، ندا می‌دهد: برای چه قتل و کشتار؟! امامتان فلانی است.» روایت از جهت سند، معتبر است.

در حدیثی دیگر، احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر بزنی می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «قدام هذا الامر قتل بيوح؛ پیش از این امر، کشتار بیوح است.» پرسیدم: بیوح چیست؟ فرمود: «دائم لا يفتراً^۲ دائمی است و قطع نمی‌شود.» یعنی قبل از ظهور، کشتار و غارتی دامن‌گیر مردم می‌شود که تمامی ندارد. این روایت نیز از جهت سند، معتبر است.

چهارم. فساد و بی‌بندباری

فساد و بی‌بندوباری و انحراف‌های اخلاقی

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۶۷، باب ۱۴، ح ۳۵.

۲. قرب الاسناد، ص ۱۷۰.

در جامعه، باعث سقوط آن می‌شود. در دوره قبل از ظهور، فسادهای اخلاقی افزایش می‌یابد؛ به صورتی که حتی نگاه‌ها وارونه می‌شود و مردم، خوب را بد و زشتی را زیبا می‌بینند. این مطلب به دلیل فاصله گرفتن جوامع از اخلاق و معنویت، کنار گذاشتن انسان‌های باایمان از قدرت و ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

مسعدة بن صدقه در این باره گوید: امام جعفر

صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ
 وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ
 لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ
 ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ
 الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ
 نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ
 مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛ چگونه خواهید بود
 وقتی زنان شما فاسد و جوانان شما اهل گناه
 شوند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک
 کنید؟ به ایشان گفته شد: ای رسول خدا! آیا

چنین خواهد شد؟ فرمود: بله و بدتر از آن خواهد شد و آن اینکه چگونه خواهید بود وقتی امر به منکر کنید و نهی از معروف کنید؟ به ایشان گفته شد: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: بله و بدتر از آن خواهد شد و آن اینکه چگونه خواهید بود وقتی معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟» روایت از جهت سند، معتبر است.

پنجم. افزایش بلاهای طبیعی

پیش از ظهور، به دلیل استفاده کردن نادرست از طبیعت، دخالت در نظم آن و افزایش ظلم و فساد، بلاهای طبیعی مانند زلزله افزایش می‌یابد. ابوسعید خدری از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند:

«أبشركم بالمهدى يبعث فى أمتى على اختلاف

من الناس و زلزال ...؛^۱ شما را به مهدی علیه السلام مژده می‌دهم؛ او در امت من هنگام اختلاف مردم و وقوع زلزله‌ها می‌آید.»

در روایت دیگری ابوبصیر از امام محمد

باقر علیه السلام نقل کرده است:

۱. غیبت، طوسی، ص ۱۷۸، ح ۱۳۶.

«... لا يقوم القائم عليه السلام إلا علي خوف شديد
 من الناس و زلازل و فتنه و بلاء يصيب
 الناس...؛^۱ حضرت مهدی عجل الله فرجه قیام نمی کند
 مگر وقتی که ترس شدید، زلزله‌ها، فتنه و بلا
 مردم را فرا گرفته باشد.»

ششم. شیوع بیماری‌ها

یکی از حواث قبل از ظهور، گسترش
 بیماری‌های سخت و ناعلاج است. شیوع این
 بیماری‌ها می‌تواند به خاطر آلودگی طبیعت
 باشد؛ یعنی به دلیل آلودگی طبیعت، بدی آب
 و هوا و غذای ناسالم، بیماری‌ها دامن‌گیر
 انسان‌ها شود. هم چنین امکان دارد
 بیماری‌های خطرناک توسط برخی انسان‌های
 فاسد در دوره آخرالزمان میان مردم پخش
 شود. در چندین روایت به شیوع طاعون در
 دوران قبل از ظهور اشاره شده است.^۲

از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل شده است که
 در این باره فرمود:

«بین یدی القائم موت أحمرو موت أبيض و جراد

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۴، باب ۱۴، ح ۱۳.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۸۹، باب ۱۶، ح ۶.

فی حینه و جراد فی غیر حینه کألوان الدم فأما الموت
الأحمر فالسيف و أما الموت الأبيض فالطاعون؛^۱ پیش
از آمدن قائم علیه السلام مرگ سرخ و مرگ سفید، ملخ
فصل و ملخ غیر فصل که مانند خون، سرخ رنگ
است، خواهد بود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ
سفید به وسیله طاعون می‌باشد.»

هفتم. یأس و ناامیدی

در دوره پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام،
یأس و ناامیدی بر جهانیان، سایه می‌افکند. آنان
علاوه بر خسته شدن از وضع موجود، امید خود
را از دستیابی به وضع مطلوب از دست می‌دهند
و این ناامیدی به سبب قتل و غارت‌ها، ناامنی،
گرفتاری‌ها، بیماری و فساد است که بر همه
جا حاکم است و همگان را از گشایش در
امورشان مأیوس می‌کند. ناامیدی آنان از آن
وضع، باعث می‌شود که پس از قیام حضرت
مهدی علیه السلام و مشاهده دادگری ایشان، برای
رهایی از وضع ناهنجار، با سرعت به او بپیوندند.
در روایت معتبری، امام رضا علیه السلام بعد از
دعوت به صبر می‌فرماید: «انما یجیء الفرج علی

الیأس؛^۱ همانا گشایش، هنگام یأس و ناامیدی می آید.»

در حدیثی دیگر، حسن بن محبوب نقل کرده است که امام رضا علیه السلام به من فرمود: «... هنگام از دست دادن ماء معین (آب گوارا که کنایه از غیبت امام است) بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و اندوهناک خواهند بود. گویا آنان را در ناامیدترین حالتشان می بینم که [ناگهان] ندایی داده می شود که از دور، مانند نزدیک، شنیده می شود؛ آن ندا رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است.»^۲

۱. قرب الاسناد، ص ۱۶۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۲، باب ۳، ح ۳.

فصل سوّم:

نشانه های قیام

بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه علامت‌هایی اتفاق خواهد افتاد. برخی از این نشانه‌ها اهمیت بیشتری دارند که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود.

الف. ندای آسمانی

ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان، توسط جبرئیل امین علیه السلام بلند می‌شود و در آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و بیان نام و نسب و حقانیت او و پیروانش می‌پردازد و پس از آن، امام عصر عجل الله تعالی فرجه ظهور می‌کند. ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزعه» و «هده» در

احادیث شیعه و عامه مطرح شده است.^۱
چندین روایت، مقصود از آیه «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ
عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
خَاضِعِينَ»^۲ را ندای آسمانی دانسته‌اند که به
یکی از آن‌ها - که از جهت سند، معتبر است -
اشاره می‌شود.

عبدالله بن سنان گوید: نزد امام جعفر
صادق علیه السلام بودم که شنیدم مردی از اهل همدان
به حضرت، عرض می‌کند: «آنان (عامه) ما را
مسخره می‌کنند و به ما می‌گویند شما گمان
می‌کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این
امر ندا می‌دهد؟!» در این حال، امام که تکیه
داده بود، ناراحت شد و صاف نشست. سپس
فرمود: «لاترووه عنی و أرووه عن أبي و لا حرج
علیکم فی ذلك، أشهد أني قد سمعت أبي علیه السلام يقول:
والله إن ذلك فی کتاب الله عزوجل لبین حیث
يقول: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ
اعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» فلا یبقی فی الارض یومئذ

۱. ندای آسمانی، ص ۱۵.

۲. شعراء (۲۶)، آیه ۴.

أحد إلا خضع و ذلت رقبتة لها...؛^۱ از من نقل نکنید و از پدرم روایت کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می‌دهم همانا از پدرم شنیدم که می‌فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب خدای بلند مرتبه، آشکار است. سپس آیه را تلاوت فرمودند و گفتند: در آن وقت، کسی در زمین نمی‌ماند مگر اینکه گردنش در مقابل آن، افتاده و خم می‌شود». نکته‌هایی که درباره ندای آسمانی از روایت‌های اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود، به شرح ذیل است:

اول. حتمی بودن ندای آسمانی

عبارت‌های مختلف در روایات اهل بیت علیهم السلام دلالت بر حتمی بودن وقوع ندای آسمانی می‌کنند؛ که از هر عبارت، به یک نمونه اشاره می‌شود.

۱. واژه «محتوم»: محمد بن علی حلبی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «اِحْتِلافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَالنُّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَخُرُوجُ

۱. نجیبت نعمانی، ص ۲۶۰، باب ۱۴، ح ۱۹.

القَائِمِ مِنَ الْمَحْتُمِ...^۱ اختلاف بنی عباس، نداء و قیام قائم علیه السلام از امور حتمی است.»

۲. ترکیب «نفی» و واژه «حتی»: از حسن بن زیاد صیقل نقل است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إن القائم لا يقوم حتى ينادى مناد من السماء تسمع الفتاة في خدرها و يسمع أهل المشرق و المغرب و...^۲ قائم علیه السلام قیام نمی کند مگر اینکه ندا دهنده از آسمان ندا دهد و دختران در سرا پرده شان و اهل مشرق و مغرب زمین آن را بشنوند.»

۳. واژه «لابد»: حمران بن أعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمود: «من المحتوم الذي لا بد أن يكون من قبل قيام القائم خروج السفیانی و خسف بالبيداء و قتل النفس الزكية و المنادی من السماء»^۳ از امور حتمی که باید قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ دهد، خروج سفیانی، خسف در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندایی از آسمان است.»

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۴.

۲. غیبت، طوسی، ص ۱۷۷، ح ۱۳۴.

۳. غیبت، نعمانی، ص ۲۶۴، باب ۱۴، ح ۲۶.

این احادیث - که از جهت سند، معتبر هستند - حتمی بودن اصل ندای آسمانی را می‌رسانند؛ ولی بیان کننده حتمی بودن خصوصیات ندای آسمانی نیستند. به عنوان مثال، زمان وقوع این ندا مشخص نیست. یعنی اگر زمان ندا، شب جمعه و بیست و سوم ماه مبارک رمضان معرفی می‌شود (که در این صورت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود) این مطلب، حتمی نیست و احتمال بداء در آن می‌رود. بنابراین، می‌توان در هر روز و شب، منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود:

«توقعوا الفرج صباحاً و مساءً»^۱

دوم. ندا دهنده

چند حدیث، ندا دهنده را جبرئیل امین علیه السلام معرفی می‌کنند؛ که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

نقل شده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «صوت جبرئیل من السماء...»^۲ ندای

۱. غیبت، طوسی، ص ۴۵۷، ح ۴۶۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۸۰، باب ۲۵، ح ۱۳.

جبرئیل علیه السلام از آسمان خواهد بود.»
 از ابوبصیر یحیی بن قاسم نیز نقل است
 که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «... الصیحة
 لا تكون إلا فی شهر رمضان لأن شهر رمضان شهر
 الله و الصیحة فیهِ هی صیحة جبرئیل علیه السلام إلى هذا
 المخلوق...؛^۱ صیحه مگر در ماه رمضان نیست.
 چون ماه رمضان، ماه خدا است و صیحه در
 این ماه، صدای جبرئیل بر این مردم است.»

سوّم. محتوای ندای آسمانی

مضمون ندای آسمانی را می‌توان به دو
 قسمت اخباری و انشائی تقسیم کرد. مراد از
 محتوای اخباری، مطالبی است که قالب
 دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است
 و مراد از محتوای انشایی، مطالبی است که
 قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام
 اموری فرا می‌خواند.

۱. محتوای اخباری: بیشترین مطالبی که
 به عنوان محتوای اخباری در روایات ندای
 آسمانی مطرح شده، معرفی حضرت
 مهدی علیه السلام به نام و نسب است و پس از آن،

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۵۳، باب ۱۴، ح ۱۳

در ندای دوّم، برحق بودن حضرت علی علیه السلام و پیروانشان مطرح می‌شود تا کسانی که حضرت مهدی علیه السلام را با نام و نسب شناخته‌اند، به وسیله شیعیان حضرت علی علیه السلام که در جهان شناخته شده‌اند، ایشان را بشناسند. در این قسمت، به دو روایت صحیح‌السند اشاره می‌شود.

هشام بن سالم درباره ندای آسمانی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود: «... هی الصیحة من السماء باسم صاحب الأمر؛^۱ آن صیحه از آسمان به اسم صاحب الامر علیه السلام خواهد بود».

هم چنین محمد بن علی حلبی گوید امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ...»^۲ منادی از آسمان در ابتدای روز، ندا می‌دهد: آگاه باشید همانا علی علیه السلام و شیعه او، همان رستگاران هستند».

۲. محتوای انشایی: دستور پیروی از

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲. کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۴.

حضرت مهدی علیه السلام مهمترین محتسوی دستوری ندای آسمانی است که در این باره به یک حدیث اشاره می‌شود.

ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «... لا یخرج القائم حتی ینادی باسمه من جوف السماء فی لیلة ثلاث و عشرين فی شهر رمضان لیلة جمعة قلت بم ینادی قال باسمه و اسم ابيه ألا إن فلان بن فلان قائم آل محمد فاسمعوا له و اطیعوه...»^۱ حضرت مهدی قیام نمی‌کند مگر اینکه به نام او از آسمان، در شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان ندا داده شود. گفتیم: به چه چیزی ندا می‌دهند؟ فرمود: به نام او و نام پدر او؛ و آن اینکه آگاه باشید فلانی فرزند فلانی، قائم آل محمد است. سخن او را بشنوید و از او پیروی کنید.»

چهارم. مخاطبان ندای آسمانی

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می‌شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام با تعبیرهای مختلفی بیان شده

۱. نعبیت، نعمانی، ص ۲۸۹، باب ۱۶، ح ۶.

است. در این قسمت به بیان موارد آن و همچنین، چگونگی شنیدن صوت توسط مخاطبان می‌پردازیم.

۱. ندای آسمانی همگانی است.

همگانی بودن ندای آسمانی با عبارت‌های مختلف در روایت‌های اهل بیت علیهم السلام بیان شده است که برای نمونه، یک مورد بیان می‌شود. ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «فلا يبقى شيء خلق الله فيه الروح الا يسمع الصيحة؛^۱ چیزی از مخلوقات پروردگار که روح داشته باشد، نمی‌ماند، مگر اینکه صیحه را می‌شنود.»

۲. هر قومی، محتوای ندا را به زبان خود می‌شنود.

ویژگی دوم ندای آسمانی برای مخاطبان، شنیدن محتوای آن به زبان‌های مختلف است؛ یعنی اگر زبان مادری کسی عربی باشد، صوت را به زبان عربی می‌شنود و اگر فارسی باشد، فارسی می‌شنود و غیره. برخی از روایت‌های دلالت‌کننده بر این مطلب، به شرح ذیل

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۸۹، باب ۱۶، ح ۶.

است:

ابو حمزه ثمالی گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: ندا چگونه است؟ فرمود: «منادی در اول روز از آسمان، ندا می دهد و هر گروهی با زبان خود آن را می شنوند.»^۱

زرارة بن أعین نیز از امام جعفر صادق علیه السلام درباره ندای آسمانی چنین پرسیده است: ندای آسمانی خاص است یا عام؟ امام فرموده اند: «عام است و هر قومی با زبان خود آن را می شنوند.»^۲ دو حدیث از جهت سند، معتبر هستند.

۳. همگان ندا را یکنواخت می شنوند.

ویژگی سوم ندای آسمانی برای مخاطبان، یکنواخت شنیده شدن آن است. یعنی مخاطبان ندای آسمانی، هر کجا باشند به صورت یکسان آن را می شنوند و دوری یا نزدیکی در شنیدن آن اثری ندارد. در حدیث معتبری که از حسن بن محبوب از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است،

۱. غیبت، طوسی، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵، یسمعه کل قوم «بالستهم».

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۸، باب ۲۵، ح ۸ «عام

یسمع کل قوم بلسانهم».

می خوانیم: «قد نودوا نداءً یسمع من بعد کما یسمع من قرب؛^۱ به تحقیق ندایی می دهند که از دور، مانند نزدیک، شنیده می شود».

پنجم. زمان ندای آسمانی

روایت‌های متعددی دلالت بر رخ دادن ندا در ماه مبارک رمضان می کنند و برخی از آن‌ها، ندا را در شب جمعه - که روز جمعه آن، برابر با بیست و سوم ماه مبارک رمضان است - می دانند. در این قسمت به یک حدیث اشاره می شود.

حارث بن مغیره گوید امام جعفر صادق فرمود: «الصیحة التي في شهر رمضان تكون ليلة الجمعة لثلاث و عشرين مضي من شهر رمضان؛^۲ ندایی که در ماه رمضان رخ می دهد، زمان آن شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان می باشد». روایت از جهت سند، معتبر است.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، ح ۱۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۸۱، باب ۲۵، ح ۱۶.

ب) سفیانی**اول. حتمی بودن خروج سفیانی**

یکی از نشانه‌های حتمی قیام امام زمان علیه السلام خروج سفیانی است. حتمی بودن خروج سفیانی با عبارتهای مختلفی، چون «إنه لمن المحتوم الذی لا بدّ منه»^۱، «السفیانی لا بدّ منه»^۲ و «أمر السفیانی حتم من الله و لا یكون القائم إلا بسفیانی»^۳ از زبان اهل بیت بیان شده است. عبارتهای «المحتوم»، «لا بدّ منه» و «حتم من الله»، همگی بیان گر حتمی و صد در صدی بودن آمدن سفیانی، به عنوان یکی از نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام می باشد. البته اصل خروج سفیانی حتمی است؛ اما برخی خصوصیات آن، چون زمان خروج می تواند قابل تغییر و بداء قرار گیرد.

دوّم. روش شناسایی سفیانی

نام سفیانی، نشان گر انتساب او به ابوسفیان است. این مطلب به دو صورت

۱. غیبت، نعمانی، ص ۳۰۱، باب ۱۸، ح ۴.

۲. امالی، ص ۶۷۹، مجلس ۳۷، ح ۲۱.

۳. قرب الإسناد، ص ۱۶۴.

می‌تواند قابل تفسیر باشد:

۱. نسب سفیانی به خاندان ابوسفیان می‌رسد و واقعاً او از نوادگان ابوسفیان می‌باشد. برخی از احادیث، او را از بنی‌امیه، نسل ابوسفیان و از فرزندان زن جگرخوار^۱ معرفی می‌کنند.

۲. مقصود از انتساب سفیانی به خاندان ابوسفیان، توجه دادن مسلمانان به عملکرد او است. یعنی او روشی چون ابوسفیان و خاندان او دارد. سفیانی مانند بنی‌امیه - که تمام تلاش خود را برای مقابله با اسلام و اهل بیت به صورت آشکار و پنهان به کار گرفت - نهایت تلاش خود را برای مقابله با حضرت مهدی علیه السلام به کار می‌گیرد. هدف او جلوگیری از برپایی دولت کریمه مهدوی است و به همین دلیل، دست به کشتار پیروان آن حضرت می‌زند و به دنبال دستگیری ایشان است.^۲

در حدیث جالبی، امام جعفر صادق علیه السلام

۱. *خرائج و الجرایح*، ج ۳، ص ۱۱۵۰. اشاره به هند، مادر معاویه دارد که در جنگ أحد بر جنازه حمزه، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله دست یافت و جگر او را به دندان گرفت.

۲. *دلائل الإمامة*، ص ۲۴۸.

در این باره می فرماید: «إنا و آل أبي سفيان أهل بيتين تعادينا في الله قلنا صدق الله و قالوا كذب الله قاتل أبوسفيان رسول الله و قاتل معاوية علي بن أبي طالب عليه السلام و قاتل يزيد بن معاوية الحسين بن علي عليه السلام و السفیانی یقاتل القائم عليه السلام ما و خاندان ابوسفیان، دو خانواده هستیم که به خاطر خداوند با یکدیگر دشمنی کردیم. ما خدا را تصدیق کردیم و آنان خداوند را تکذیب کردند. ابوسفیان با رسول خدا، معاویه با علی بن ابی طالب عليه السلام و یزید بن معاویه با حسین بن علی عليه السلام نبرد کرد و سفیانی نیز با قائم عليه السلام جنگ خواهد کرد».

سوّم. زمان خروج سفیانی

خروج سفیانی در ماه رجب، همزمان با حرکت یمانی و خراسانی و قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه گزارش شده است.^۱ درباره زمان خروج سفیانی به روایت معتبری اشاره می شود. عیسی بن أعین گوید: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود:

۱. معانی الاخبار، ص ۳۴۶، ح ۱.

کافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵.

«السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من أول خروجه إلى آخره خمسة عشر شهرا ستة أشهر یقاتل فیها فإذا ملك الكور الخمس ملك تسعة أشهر و لم یزد علیها یوما؛^۱ سفیانی از امور حتمی است و خروج او در ماه رجب می‌باشد. از ابتدای خارج شدن تا آخر حرکت او، پانزده ماه طول می‌کشد. شش ماه به جنگ می‌پردازد و وقتی بر پنج منطقه (شام) حاکم شد، نه ماه حکومت می‌کند و به آن، حتی یک روز اضافه نمی‌شود».

بنابر آنچه در حتمی بودن خروج سفیانی مطرح شد، زمان خروج سفیانی قابل تغییر و بداء است.

چهارم. مکان خروج سفیانی

آغاز خروج سفیانی از مناطق خشک سرزمین شام خواهد بود و کشورهای سوریه، اردن و فلسطین را به تصرف خود در خواهد آورد. عبدالله بن ابی‌منصور گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره نام سفیانی سؤال کردم؛ ایشان فرمود:

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۹۹، باب ۱۸، ح ۱.

«و ما تصنع باسمه إذا ملك كور الشام الخمس دمشق و حمص و فلسطين و الأردن و قنسرین فتوقعوا عند ذلك الفرج ...»^۱ به نام او چه کار داری؟ وقتی او پنج منطقه شام، یعنی دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را اشغال کرد، در آن هنگام، منتظر گشایش باشید.»

پنجم. اقدام‌های سفیانی

بنابر آنچه در برخی روایت‌ها به آن اشاره شده است، سفیانی ابتدا بر منطقه شام حاکم می‌شود و رقیبان را از میان برمی‌دارد. سپس در راه عراق، درگیر جنگی در شمال سوریه (منطقه قرقیسیا) می‌شود که در آن نبرد، صد هزار نفر از ستمگران کشته می‌شوند. بعد از آن، سفیانی حمله خود به عراق را آغاز می‌کند و در کوفه و اطراف آن، دست به کشتار و غارت شیعیان می‌زند. او زمانی که با خبر می‌شود حضرت مهدی علیه السلام در مدینه است، برای مقابله با ایشان، سپاهی به مدینه می‌فرستد. هم زمان، حضرت مهدی علیه السلام از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۹، باب ۲۵، ح ۱۱، دمشق، حمص و قنسرین سه منطقه از کشور سوریه می‌باشند.

مدینه به سوی مکه رهسپار می‌شود. لشگر سفیانی که حضرت را در مدینه نمی‌یابند، دست به غارت شهر می‌زنند و سپس به سوی مکه حرکت می‌کنند که در میان راه، در سرزمین بیداء گرفتار می‌شوند.^۱

در روایتی که تفسیر عیاشی آن را از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده، به کشته شدن سفیانی در سرزمین شام؛ به دست حضرت مهدی علیه السلام و پیروان ایشان اشاره شده است.^۲

ج) خسف بیداء

یکی از نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام «خسف بیداء» معرفی شده است.^۳ خسف به معنای فرو رفتن^۴ و بیداء، نام سرزمینی بیابانی و خالی از آب و گیاه، میان مکه و مدینه است.^۵ مقصود از فرو رفتن در سرزمین بیداء، حادثه‌ای است که برای سپاه سفیانی در آن منطقه رخ می‌دهد.

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴، ح ۱۱۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۸، باب ۲۵، ح ۷.

۴. لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

آنان زمانی که برای دستگیری حضرت
سهدی علیه السلام راهی مکه می‌شوند، برای استراحت
در منطقه بیداء توقف می‌کنند که از آسمان
به زمین بیداء دستور داده می‌شود تا آنان را
در خود فرو برد و جز چند نفر برای عبرت
دیگران، بقیه لشکر سفیانی به زمین فرو
می‌روند. حدیثی زیبا و طولانی که با سندهای
مختلف و معتبر، در کتاب غیبت نعمانی آمده
از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام
نقل شده است، این حادثه را در کنار سایر
توالت دوره ظهور مطرح می‌کند.^۱

هم‌چنین حسین بن خالد گوید: خدمت
به الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: «عبدالله بن بکیر
حدیثی را نقل می‌کند و آن را به تأویل می‌برد.
است دارم آن را خدمت شما عرضه کنم». فرمود:
آن حدیث چیست؟» گفتم: «ابن بکیر می‌گوید:
بید بن زراره برای من حدیثی روایت کرد و گفت:
نگام خروج محمد بن عبدالله بن حسن نزد امام
عفر صادق علیه السلام بودم که فردی از اصحاب ما وارد
شد و به امام گفت: محمد بن عبدالله قیام کرده
است و مردم همراه او شده‌اند؛ درباره همراهی با او

غیبت، نعمانی، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.

چه می‌فرمایید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: مادامی که آسمان و زمین آرامند آرام باش [و هر کس ادعای مهدویت می‌کند با او همراهی نکن]. عبدالله بن بکیر گوید: وقتی امر به این صورت است که ت آسمان و زمین آرامند قیامی نیست، پس قائمی وجود ندارد و خروجی صورت نمی‌گیرد». امام رضا علیه السلام فرمود: «حدیث همان است که عبید بن زراره گفت؛ ولی تأویل ابن بکیر درست نیست. در واقع ابو عبدالله علیه السلام فرمود: آرام باش مادامی که آسمان از ندا و زمین از خسف سپاه (سفیانی) ساکت است»^۱.

(د) ایمانی

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خروج ایمانی شمرده شده است. عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است:

«قبل قیام القائم خمس علامات محتومات
الایمانی و السفیانی و الصیحة و قتل النفس الزکیة و

۱. معانی الأخیار، ص ۲۶۶، ح ۱، از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام که ادعای مهدویت داشت.

الخسف بالبيداء؛^۱ پیش از قیام قائم عجل الله فرجه پنج نشانه حتمی یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و خسف بیداء خواهد بود.» حدیث از جهت سند معتبر است. در روایت دیگری نیز به حتمی بودن این نشانه اشاره شده است.^۲ البته حتمی بودن خروج یمانی دلالت بر حتمی بودن خصوصیات خروج او، مانند زمان خروجش نمی‌کند.

نکاتی که درباره یمانی از روایت‌های اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود، به شرح ذیل است.

اول. مکان خروج یمانی

یمانی - چنان که از نامش پیدا است - از منطقه یمن خروج می‌کند و به یاری حضرت مهدی علیه السلام بر می‌خیزد. علاوه بر دلالت کلمه یمانی، چند حدیث به صراحت این مطلب را مطرح کرده‌اند که به یک روایت اشاره می‌شود.

از محمد بن مسلم ثقفی نقل شده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «... خروج السفیانی من

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۸، باب ۲۵، ح ۷.

۲. غیبت، نعمانی، ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۱۱.

الشام و خروج الیمانی من الیمن و ...؛^۱ خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از منطقه یمن است.»

دوم. زمان خروج یمانی

خروج یمانی همزمان با خروج سفیانی و خراسانی گزارش شده است. در حدیثی که ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است، می‌خوانیم: «خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا ...»^۲ خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و در یک ماه و در یک روز خواهد بود؛ مانند دانه‌های تسبیح که برخی به دنبال برخی دیگر است.» این حدیث و روایت‌های مشابه، بیانگر این مطلب هستند که آنان، مقدمات خروج را از قبل آماده کرده‌اند و ممکن است این امر، در زمان‌های متفاوتی باشد؛ ولی با خروج یکی از آنان، دیگران حرکت خود را شروع می‌کنند.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۶۳، باب ۳۲، ح ۱۶.

۲. غیبت، نعمانی، ص ۲۵۳، باب ۱۴، ح ۱۳.

سوّم. نسب یمانی

در حدیثی، یمانی از فرزندان زید بن علی بن حسین معرفی شده است. در آن روایت، امام جعفر صادق علیه السلام دعایی می خواند. عباد بن محمد مدائنی به امام می گوید: «فدایتان شوم؛ آیا برای خود دعا نکردید؟» امام پاسخ می دهد: «برای نور آل محمد و جلودار آنان و انتقام گیرنده از دشمنان به امر خداوند، دعا کردم.» مدائنی می پرسد: «فدایت شوم، چه وقت قیام می کند؟» امام می فرماید: «هر وقت، آن کسی که آفرینش و تدبیر در دست اوست، بخواهد». عباد بن محمد مجدداً می پرسد: «آیا برای آن، قبل از آمدنش نشانه‌ای است؟» امام می فرماید: «بله، نشانه‌های گوناگون. خروج پرچمی از مشرق و پرچمی از مغرب و فتنه‌ای که اهل زوراء (بغداد) را فرا می گیرد و قیام مردی از فرزندان عمویم زید از یمن و...»^۱ البته این حدیث در بیان این موضوع، منفرد است و از جهت سند، ضعیف محسوب می شود.

چهارم. عملکرد یمانی

یکی از مناطقی که مردم آن، بنابر چند روایت، برای یاری امام مهدی علیه السلام برمی‌خیزند، منطقه یمن است. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که در وصف اهل یمن فرمود:

«... قوم رقیقة قلوبهم راسخ إیمانهم و منهم المنصور یخرج فی سبعین ألفا ینصر خلفی و خلف وصی حمائل سیوفهم المسک ...»^۱ اهل یمن قومی هستند که دل‌هایشان نرم و ایمانشان استوار است و از میان آنان، منصور با هفتاد هزار نفر خارج می‌شود و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می‌کنند».

بنابر چند روایت، یمانی به سوی حق دعوت می‌کند و پرچم او هدایت‌گر معرفی شده است. از جمله بکر بن محمد ازدی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «خروج الثلاثة السفیانی و الخراسانی و الیمانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد و لیس فیها رایة أهدي من رایة الیمانی لأنه یدعو إلى الحق»^۲ خروج سه

۱. غیبت، نعمانی، ص ۳۹، باب ۲، ح ۱.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵.

گروه سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال، در یک ماه و در یک روز خواهد بود و در میان این سه، پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست؛ چون او به سوی حق فرا می‌خواند.»

همچنین یمانی با سفیانی به مقابله بر می‌خیزد. در حدیثی عبید بن زراره گوید: نام سفیانی را نزد امام جعفر صادق علیه السلام بر زبان آوردم. ایشان فرمود: «أنی یخرج ذلک و لما یخرج کاسر عینیه بصنعاء؛ چگونه او خروج می‌کند، در حالی که در آورنده چشمانش، هنوز از صنعا (پایتخت کشور یمن) قیام نکرده است.»

(۱) قتل نفس زکیه

یکی از علامت‌های قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام که در چند حدیث مطرح شده، کشته شدن انسان پاکی میان رکن و مقام است. احتمالاً در آن زمان، کشته شدن این شخص، امر مهمی خواهد بود؛ به صورتی که بمگان، از آن آگاه می‌شوند و به همین دلیل، «عنوان نشانه معرفی شده است.

چنانچه محمد بن مسلم از امام محمد

باقر علیه السلام می‌پرسد: «قائم شما اهل بیت چه وقت قیام می‌کند؟» امام علامت‌هایی را مطرح می‌کنند که یکی از آنها قتل نفس زکیه است. ایشان می‌فرماید: «... و قتل غلام من آل محمد علیهم السلام بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیة...؛^۱ و کشته شدن شخصی از خاندان پیامبر علیه السلام میان رکن و مقام که نام او محمد بن حسن است و او همان نفس زکیه است.»

در این قسمت به نکاتی درباره قتل نفس زکیه که از روایت‌های اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید، اشاره می‌شود.

اول. حتمی بودن قتل نفس زکیه

چندین روایت با واژه‌های «محتوم» و «لابد»، رخ دادن قتل نفس زکیه را حتمی دانسته‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌شود.

۱. ابو حمزه ثمالی گوید: «امام جعفر صادق علیه السلام ضمن شمارش امور حتمی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، فرمود: «... و قتل

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۶۳، باب ۳۲، ح ۱۶.

النفس الزکیة من المحتوم...^۱ و کشته شدن نفس زکیه از امور حتمی است». روایت از جهت سند، معتبر است.

۲. حمران بن اعین گوید: «امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «من المحتوم الذی لا بدّ أن یکون من قبل قیام القائم خروج السفیانی و خسف بالیداء و قتل النفس الزکیة و المنادی من السماء»^۲ از امور حتمی که به ناچار، قبل از قیام قائم علیه السلام خواهد بود، خروج سفیانی و خسف بیداء و قتل نفس زکیه و ندا دهنده از آسمان است». روایت از جهت سند، معتبر است.

دوّم. زمان و مکان کشته شدن نفس زکیه

بنابر آنچه از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود، نفس زکیه کنار کعبه، میان رکن و مقام حضرت ابراهیم و پانزده شب قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام به شهادت می رسد.

عبایة بن ربیع از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمود: «... ألا أخبرکم

۱. غیبت، طوسی، ص ۴۲۵، ح ۴۲۵.

۲. غیبت، نعمانی، ص ۲۶۴، باب ۱۴، ح ۲۶.

بآخر ملك بنى فلان قلنا بلي يا أمير المؤمنين قال
 قتل نفس حرام فى يوم حرام فى بلد حرام عن قوم
 من قريش و الذى فلق الحبة و برأ النسمة ما لهم
 ملك بعده غير خمس عشرة ليلة...؛^۱ آیا شما را از
 پایان حکومت بنی فلان آگاه نکنم؟ گفتیم: چرا
 ای امیرمؤمنان. فرمود: کشته شدن انسانی
 بی گناه در روز حرام و در شهر حرام (مگه
 معظمه) از قومی از قریش. قسم به کسی که
 دانه را شکافت و انسان را آفرید، برای آنان بعد
 از این جنایت، جز پانزده شب حکومت نخواهد
 بود». روایت از جهت سند، معتبر است.

در حدیث دیگری نیز امام جعفر صادق علیه السلام
 فاصله میان قتل نفس زکیه و قیام حضرت
 مهدی علیه السلام را پانزده شب معرفی می کند.^۲
 البته حتمی بودن اصل قتل نفس زکیه را
 نمی توان به حتمی بودن خصوصیات آن، چون
 زمان کشته شدن او سرایت داد و احتمال
 تغییر و بداء در موارد جزئی وجود دارد.

۱. /ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲. غیبت، نعمانی، ص ۲۵۸، باب ۱۴، ح ۱۷.

و) قیام گروهی از مشرق زمین

طبق چند روایت، مردمی از مشرق، قیام خواهند کرد و یاری‌گر حضرت مهدی عجل الله فرجه خواهند بود. در روایت معتبری که ابوخالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است:

«كأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم علي عواتقهم فيعطون ما سألوه فلا يقبلونه حتى يقوموا و لا يدفعونها إلا إلى صاحبكم قتلاهم شهداء أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر؛^۱ گویا می‌نگرم قومی از مشرق، قیام کرده‌اند. آنان حقشان را می‌خواهند، ولی به آنان نمی‌دهند؛ دوباره آن را طلب می‌کنند، ولی باز به آنان داده نمی‌شود. وقتی اوضاع را این‌گونه می‌بینند سلاح‌هایشان را بر می‌دارند. در آن هنگام، آن‌چه می‌خواهند به آنان می‌دهند، ولی آنان نمی‌پذیرند و استوار می‌ایستند و قدرتشان را به کسی جز صاحب شما تحویل نمی‌دهند. کشته‌های آنان، شهید هستند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک می‌کردم، خود را برای

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۷۳، باب ۱۴، ح ۵۰.

صاحب این امر نگه می‌داشتیم.»

و در حدیثی که از پیامبر اکرم نقل شده است، می‌خوانیم: «يُخْرِج نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَهُمْ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ گروهی از اهل مشرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌کنند». روایت، در منابع عامه آمده است.

در این قسمت، به معرفی برخی از مردم مشرق زمین و اقدام‌هایشان که بیشتر در روایت‌های اهل بیت علیهم السلام آمده است می‌پردازیم.

اول. خراسانی

خراسانی، منسوب به خراسان است و خراسان، نامی است که به دو عنوان، اطلاق شده است.

یک. به قسمتی از سرزمین فعلی ایران که از کوه‌های زاگرس شروع می‌شود و تا قسمتی از شهر هرات در کشور افغانستان و اطراف آن، ادامه پیدا می‌کند و از شمال، شهرهای نیشابور، مرو، سرخس و قسمتی از سرزمین‌های شمال شرقی ایران را در بر می‌گیرد و از جنوب، تا کرمان و

سیستان ادامه می‌یابد.

دو. به مناطق و سرزمین‌های اطراف خراسان که حاکمان خراسان در آن منطقه‌ها حاکمیت داشته‌اند.^۱

برخی از نکاتی که از روایت‌های اهل بیت علیهم‌السلام درباره خراسانی استفاده می‌شود، به شرح ذیل است.

حرکت خراسانی همزمان با خروج یمانی و سفیانی معرفی شده است. بکر بن محمد ازدی از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل کرده است: «خروج الثلاثة الخراسانی و السفیانی و الیمانی فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد...»^۲ خروج سه گروه سفیانی، خراسانی و یمانی در یک سال، در یک ماه، و در یک روز خواهد بود.

خراسانی برای مقابله با سفیانی، یاری کردن اهل عراق و همراهی با حضرت مهدی علیه‌السلام حرکت خود را آغاز می‌کند. در حدیث معتبری که از جابر بن یزید جعفی به نقل از امام محمد باقر علیه‌السلام با سندهای مختلف

۱. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲. غیبت، طوسی، ص ۴۴۶، ح ۴۴۳.

وارد شده، آمده است:

«... و یبعث السفیانی جیشا إلى الكوفة و عدتهم سبعون ألفا فیصیبون من أهل الكوفة قتلا و صلبا و سبیا فبینا هم كذلك إذ أقبلت رایات من قبل خراسان و تطوی المنازل طیا حثیثا و معهم نفر من أصحاب القائم...»^۱

سفیانی سپاهی به سوی کوفه می‌فرستد که تعداد آنان هفتاد هزار نفر است. آنان در کوفه به قتل و تجاوز و غارت می‌پردازند. در آن حال (برای کمک به اهل عراق) نیروهایی از طرف خراسان با سرعت به سوی کوفه می‌آیند و در میان آنان، تعدادی از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام وجود دارند.

دوم. اهل قم

بنابر آنچه از برخی روایات استفاده می‌شود، شهر قم یکی از شهرهایی است که نقش محوری در زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد. این شهر از ابتدای حکومت عباسیان، خاستگاه و منطقه امنی برای شیعیان و مورد عنایت و توجه اهل بیت علیهم السلام

۱. غیبت، نعمانی، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.

بوده است.^۱ اهل قم در معراج پیامبر اکرم به ولایت مداری ستوده شده‌اند.^۲ شهر قم با آغاز غیبت صغری به عنوان مرجع علمی شیعیان مطرح شد. حسین بن روح نوبختی (نایب سوم) در آن زمان برای تأیید کتابی، آن را برای عالمان قم فرستاد.^۳ این مطلب نشان از جایگاه علمی و حدیثی این شهر در آن دوره دارد. در روایتی امام جعفر صادق علیه السلام به خالی شدن کوفه از دانش اهل بیت علیهم السلام و آشکار شدن آن در شهر قم در نزدیکی ظهور اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«... سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ

۱. رجال کشی، ص ۳۳۳، ح ۶۰۸ و ۶۰۹.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۲، باب ۳۷۳، ح ۱.

۳. غیبت، طوسی، ص ۳۹۰، ح ۳۵۷.

...؛ کوفه از مؤمنان، خالی خواهد شد و دانش از آن مکان جمع می‌شود؛ مانند جمع شدن مار در لانه‌اش. سپس دانش در شهری که به آن قم گویند، آشکار شود و آن مکان، معدن دانش و فضیلت می‌شود؛ به صورتی که در زمین، مستضعف دینی - حتی در بانوان پشت پرده - باقی نمی‌ماند. و این اتفاق نزدیک ظهور قائم ما رخ خواهد داد. خداوند، قم و اهلس را در آن زمان، جانشینان حجت قرار می‌دهد.»

بنابر این حدیث و روایت‌های مشابه،^۱ قم به وسیله گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام همگان را با حضرت مهدی علیه السلام آشنا می‌کند و به پذیرش عمومی و پرورش نیرو جهت یاری امام عصر می‌پردازد.

در حدیثی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، به تشکیل حکومت توسط فردی از اهل قم برای برپایی حق اشاره شده است. در این روایت می‌خوانیم:

«رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَيَّ الْحَقُّ»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۲۱، ح ۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲، ح ۲۲ و ص ۲۱۴، ح ۳۰.

يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيحُ
 الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَ
 عَلَيَّ اللَّهُ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛^۱ مردی از
 اهل قم، مردم را به سوی حق فرا می خواند.
 گروهی مانند پاره های آهن، همراه او جمع
 می شوند که بادهای تند، آنان را منحرف
 نمی کند. از نبرد، خسته نمی شوند و
 نمی ترسند و بر خداوند توکل می کنند و
 عاقبت برای اهل تقوا است. «البته در این
 حدیث، اشاره ای به نزدیکی قیام مردی از قم،
 به ظهور حضرت مهدی عج نشده است.

فصل چهارم:
آسیب شناسی
طرح نشانه‌های قیام

الف. نشانه‌های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور
بر اساس برخی از احادیث مهدویت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را نمی‌توان به زمان خاصی محدود کرد؛ بلکه در همه وقت، احتمال ظهور وجود دارد و این مطلب با علایم ظهور نمی‌سازد. در این قسمت، ابتدا این احادیث مطرح می‌شوند و سپس به جمع میان آن‌ها و نشانه‌های ظهور می‌پردازیم.

اول. روایاتی که به مؤمنان توصیه می‌کنند
باید پیوسته و در هر صبح و شام، منتظر گشایش باشند. برای مثال، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «... تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛ هر صبح و شام منتظر گشایش باشید».

دوم. احادیثی که ظهور امام زمان عجل الله فرجه را ناگهانی مطرح می‌کنند. چنانچه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «به پیامبر گرامی اسلام گفته شد: ای رسول خدا، قائم از ذریه شما چه وقت خروج می‌کند؟ رسول خدا فرمودند: «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ... لَأَتَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ»^۱ زمان خروج قائم اهل بیت علیهم السلام مانند زمان قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی‌داند... و آن مگر به صورت ناگهانی نمی‌آید».

سوم. روایاتی که طبق آن‌ها امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام در یک شب اصلاح خواهد شد. برای مثال، رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «المهدى منا اهل البيت يصلح الله له امره فى ليلة»^۲ مهدی از ما اهل بیت است و خداوند امرش را در یک شب درست می‌کند.

چهارم. احادیثی که مشخص کنندگان زمان ظهور را تکذیب می‌کنند. مثلاً وقتی فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: آیا برای این امر

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶، باب ۶۶، ح ۳۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۸۴، باب ۶، ح ۴.

(ظهور) وقت مشخصی است؟ امام در پاسخ سه بار فرمود: «كذب الوقاتون» و در حدیثی دیگر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «كذب الوقاتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون»^۱ تعیین کنندگان وقت، دروغ گفتند و عجله کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند.

بر اساس این احادیث، نشانه‌های قیام قائم آل محمد علیهم السلام به دلیل تعیین کردن وقت و تدریجی بودن وقوعشان، در امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام نمی‌توانند جایگاهی داشته باشند. زیرا این امر با مشخص نبودن زمان ظهور و ناگهانی بودن و تکذیب مشخص کنندگان وقت برای ظهور نمی‌سازد.

برای پاسخ به این شبهه، چند فرض بیان می‌شود و در ضمن آن‌ها به این اشکال پاسخ داده می‌شود.

فرض اول: مراد از تعیین وقت برای ظهور، مشخص کردن سال ظهور است؛ اما ماه و روز ظهور، می‌تواند مشخص باشد. در هیچ یک از علایم قیام، سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱. غیبت، طوسی، ص ۴۲۶، ح ۴۱۳.

مشخص نشده است و کسی نمی‌داند در چه سالی، امر ظهور رخ خواهد داد. به عبارت دیگر، علایم قیام به صورت دقیق و مشخص، وقتی برای ظهور مشخص نمی‌کنند؛ در حالی که مراد از توقیت، مشخص کردن وقت دقیق، مثلاً پنجاه سال دیگر است.^۱ این پاسخ، گرچه مشکل توقیت را نسبت به سال پاسخ می‌دهد، اما ناگهانی بودن امر ظهور را پاسخ نمی‌دهد.

فرض دوم: در برخی روایات، کلمه «فرج» آمده است که به معنی گشایش است و می‌تواند مقصود از آن، هر نوع گشایشی برای مؤمنان باشد و اختصاصی به امر ظهور ندارد. این پاسخ، گرچه دسته‌ای از احادیث را توجیه می‌کند و جواب می‌دهد؛ ولی روایت‌های دیگر بی‌پاسخ می‌ماند.

فرض سوم: اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب و ناگهانی بودن ظهور را می‌توان با نشانه‌های قیام جمع کرد و آن اینکه علامت‌های متصل به قیام را جزئی از فرایند ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانست؛ به عبارت دیگر، نشانه‌های متصل به قیام - که به فاصله اندکی از قیام حضرت روی می‌دهد - جزئی از فرایند ظهور است.

۱. برگرفته از تاریخ ما بعد ظهور، ص ۲۲۰.

در نتیجه می‌توان گفت: ظهور حضرت مهدی علیه السلام با اعلام نام مبارکشان از آسمان آغاز می‌شود و زمینه‌های قیام در روز دهم محرم فراهم می‌گردد.

به نظر می‌رسد بهترین پاسخ، جواب سوم باشد که در آن، هم ناگهانی بودن ظهور و هم، مشخص نبودن وقت ظهور به شکل مناسبی با علایم قیام حضرت مهدی علیه السلام جمع شده است. در برخی کتب، این مبحث کاملاً تشریح شده است.^۱

ب. نمادین معرفی کردن نشانه‌های قیام

تعدادی از نویسندگان، برخی نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام را نمادین دانسته‌اند. به عبارت دیگر، درباره واقعی یا نمادین بودن نشانه‌های ظهور، دو دیدگاه وجود دارد.

اول. علامات قیام، واقعی و غیر نمادین هستند و آنچه در روایت‌های اسلامی مطرح شده است، به همان صورت، واقع می‌شوند.

دوم. نشانه‌های قیام، نمادین هستند و مراد از بیان آن‌ها در احادیث، عین مطالب

۱. سفیانی از ظهور تا افول، ص ۳۱.

طرح شده نیست.

به عنوان مثال، در مقاله‌ای، «ندای آسمانی» نمادین معرفی شده است. در این نوشتار آمده است: «گرچه پدیدار شدن ندای آسمانی، به گونه معجزه، مانعی ندارد، ولی تحقق آن به طور طبیعی هم امکان دارد و لزومی ندارد که آن را پیچیده و حمل بر معجزه کنیم. در عصر صدور این روایات، پیش‌بینی چنین حوادثی، فوق‌العاده عجیب و تحقق عادی آن، غیر ممکن می‌نموده، ولی در جهان امروز، واقع شدن چنین پدیده‌ای امری بسیار طبیعی و عادی است. با استفاده از ماهواره و ابزارهای پیشرفته صوتی و تصویری، فرستنده‌های قوی و مدرن تلویزیونی، رادیویی و وسایل و ابزار پیشرفته قوی که امکان دارد در آینده به کار گرفته شود، به آسانی و همزمان می‌توان فریاد حق را به گوش همه جهانیان رساند. بر این اساس، منظور از جبرئیل که در برخی روایات آمده، سخن‌گوی حق و مراد از شیطان، سخن‌گوی باطل است. امروز استکبار جهانی با استفاده از همین ابزار در گمراهی مردم و ادامه سلطه خویش بهره می‌برد و سرسختانه

مردم را به حمایت از باطل دعوت می‌کند».^۱

در پاسخ می‌توان گفت: با توجه به جنبه‌های مختلف احادیث «صیحه و ندای آسمانی» در می‌یابیم که گرچه ندای آسمانی، حالت عادی و طبیعی ندارد و معجزه ارتباطی محسوب می‌شود (چون همگان با زبان مادری و به صورت یکسان می‌شنوند که جبرئیل امین علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را با نام و نسب معرفی می‌کند)^۲ ولی غیر عادی بودن، آن دلیل نمی‌شود که ما آن را نپذیریم؛ زیرا اولاً صدایی با چنان محتوا و خصوصیات، که گفته شده توسط جبرئیل امین علیه السلام بلند می‌شود، نمی‌تواند حاصل انفجار یا صداهاى مانند آن باشد. و ثانياً گرچه روش حجت‌های الهی در تبلیغ و اجرای دین به صورت عادی و طبیعی بوده است، ولی برای اثبات حقانیت خود از معجزاتی نیز سود می‌بردند و این معجزات در همه ادیان الهی مطرح و ثابت شده است. امام مهدی علیه السلام نیز برای شناساندن خود به جهانیان و اثبات حقانیت خویش نیازمند این معجزه ارتباطی است.

۱. بررسی نشانه‌های ظهور، (چشم به راه مهدی علیه السلام)، ص ۲۸۷.

۲. رک: ندای آسمانی، ص ۸۶.

درباره سفیانی نیز فرضیه نمادین مطرح شده است و برخی آن را یک جریان انحرافی که با اندیشه مهدویت و ارزش‌های آن مخالف است، دانسته‌اند. ولی این کلام با مجموعه روایاتی که نام، نسب، وضعیت جسمانی و اقدام‌های سفیانی را ذکر و او را یک انسان معرفی می‌کنند، سازگار نیست.^۱

ج. تطبیق نشانه‌های قیام

عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند حدیث از نشانه‌های ظهور، آن را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. تطبیق دادن در صورتی که با دلایل کافی و مستند باشد، اشکالی ندارد؛ ولی این کار، نیاز به تخصص حدیث‌شناسی از جهت سند و دلالت روایات، شناخت تاریخ و آشنایی با افراد و حوادث روز دارد و اینکه نگاه انسان بر اساس آگاهی باشد نه بر پایه خواسته‌های نفسانی. به عبارت دیگر، عده‌ای چون می‌خواهند ظهور هر چه زودتر واقع شود، برخی افراد و حوادث را بدون نگاه عالمانه و با اندک شباهتی به برخی از

۱. رک: سفیانی از ظهور تا افول، ص ۲۵.

نشانه‌های ظهور، تطبیق می‌دهند. به عنوان مثال اگر فردی از منطقه شام خروج کرد سریع نمی‌توان گفت او سفیانی است؛ بلکه باید منتظر ماند و ویژگی‌های او را سنجید. اگر تمام خصوصیات و حوادث مربوط به او، چون تسلط بر مناطق شام، فرستادن لشکر به عراق و حجاز، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و کشتار شیعیان و خسف سپاه او در سرزمین بیداء رخ داد، آن وقت می‌توان این مورد را بر سفیانی تطبیق داد.

تطبیق بدون دلیل، باعث ایجاد امید کاذب در جامعه می‌شود و به دنبال اتفاق نیفتادن ظهور بعد از این تطبیق، یأس و ناامیدی جای آن را می‌گیرد و چه بسا انسان‌هایی که این تطبیق را باور کرده‌اند، نسبت به اصل ظهور، دل‌سرد و ناامید و نسبت به روایت‌های اهل بیت علیهم السلام دچار شک و تردید شوند.^۱

۱. رک: اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۵۵.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آیتی، نصرت الله، سفیانی از ظهور تا افول، قم، ثانی عشر، ۱۳۸۴ ش.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرایع، عراق، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، کتابفروشی طوسی، ۱۳۶۳ ش.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۹ ق.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷. ابن داود حلی، حسن بن علی، رجال، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بی جا، دارالفکر، بی تا.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابن نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. ابن هاشم، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۳. جعفری، محمدصابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۴ش.
۱۴. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۱۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
۱۶. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاستناد، تهران، کتابخانه نینوا، بی تا.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی جا، بی تا، ۱۴۱۳ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، لبنان، دارالمعرفه، بی تا.
۱۹. زمانی، سید حسن، ندای آسمانی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ش.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، العدة، قم، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ق.
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، معارف اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، عراق، مکتبه المرتضویه، بی تا.
۲۴. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.

۲۵. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، دار الذخائر للمطبوعات، بی تا.

۲۶. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

۲۷. علامه مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، لبنان، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.

۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

۲۹. فانی اصفهانی، سید علی، *بداء از نظر شیعه*، مترجم: سید محمد باقر بنی سعید لنگرودی، تهران، دُرسا، ۱۳۷۴ش.

۳۰. قطب الدین راوندی، سعید بن عبدالله، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، لبنان، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.

۳۲. نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، قم، مدین، ۱۴۲۶ق.

از این مجموعه منتشر شده است:

- انتظار ۱. ضرورت طرح مباحث مهدویت / روح‌الله شاکری
- انتظار ۲. پژوهشی عقلی دربارهٔ حضرت مهدی علیه السلام / روح‌الله شاکری
- انتظار ۳. امام مهدی علیه السلام در قرآن / مهدی یوسفیان
- انتظار ۴. امام مهدی علیه السلام در قرآن / جمعی از محققان
- انتظار ۵. طلوع خورشید / مهدی یوسفیان
- انتظار ۶. رخدادهای ظهور / مهدی یوسفیان
- انتظار ۷. اندیشهٔ مهدویت و آسیب‌ها / محمدصابر جعفری
- انتظار ۸. مهدی ستیزان / محمدصابر جعفری
- انتظار ۹. پژوهشی دربارهٔ جزیرهٔ خضراء / مجتبی کلباسی
- انتظار ۱۰. جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی علیه السلام / رحیم کارگر
- انتظار ۱۱. غیبت امام مهدی علیه السلام / مهدی یوسفیان
- انتظار ۱۲. شرایط ظهور / مهدی یوسفیان